

چه خوب امانت رسول خدا(ص) را ادا کردید!

خطبه بانوی ایمان، حضرت فاطمه زهرا(س) از جمله خطبه‌های مشهوری است که اهل سنت و شیعه با سندهای معتبر آن را روایت کرده‌اند.....



خطبه بانوی ایمان، حضرت فاطمه زهرا(س) از جمله خطبه‌های مشهوری است که اهل سنت و شیعه با سندهای معتبر آن را روایت کرده‌اند. خطبه‌ای که بسیاری آن را برابر با خطبه‌های امیر بیان، امیر مومنان حضرت علی(ع) در نهج البلاغه می‌دانند؛ خطبه‌ای که تمام تلاشش بیان به حجاب کشیدن خورشید حقیقت است؛ چه آنجا که به حمدو ثنای خداوند متعال می‌پردازد و در نعت و توحید آفریدگار عنان کلام را شاهوار در دست می‌پیچاند و چه آنجا که مردمان سست نهاد روزگارش را به عتاب خطاب می‌کند که ای یاوران اسلام و حافظین حدود و احکام قرآن، این چه سستی است که در حق من روا می‌دارید؟ و آنگاه از حق مسلم به بیگانه‌ها و غمناک‌ها سخن می‌راند و می‌خروشد و در قامت یک سخنور برهانی که البته زبانی سیراب از وحی دارد و ریشه در خاندان معنا، داور در باره آنچه می‌گوید را به روز حشر واگذار می‌کند، اما در عین حال خطری که آنان را تهدید می‌کند و نتایج این سست عهدی را به ایشان گوشزد می‌نماید. متن زیر خلاصه‌ای از ترجمه خطبه حضرت از کتاب «قدر مخفی» تألیف راضیه محمدزاده از پژوهشگران سیره علوی است که در پی می‌آید.

حمد و ستایش پروردگاری که نعم بی‌پایانش همه موجودات را فرا گرفته، به اشباح بی‌رنگ صحرائی عدم، رنگ وجود بخشیده و به نیستی و کتم عدم لباس هستی پوشانده است... گواهی می‌دهم که آفریننده‌ای است قبل از هر چیز بوده و پس از هر چیز خواهد بود. منبع فیض لایزال جودش چون ابر، ریزنده و بخشنده است و تا ابد ظروف اندیشه و افکار از فیضان لایتناهی او بهره و نصیب می‌گیرند. ابر رحمت بی‌حسابش دائم در ریزش و بارش است؛ پروردگاری که فرمان داد به شکرگزاری، نعماتش را بزرگ شمارند. گواهی می‌دهم خدایی جز او نیست. این شهادت آمیخته به اخلاص است که معانی و تاویل آن در دل‌ها گنجانیده شده و مدرکات به تصور محسوسات روشن و آشکار گشته است. او پروردگاری است که چشم‌ها نیروی دیدن او را ندارند و زبان‌ها از وصف بیان او عاجزند. ساحت عزتش را اوها درک نکنند و مقام ذاتش را عقول درنیابند. او خالق است که موجودات را بدون ماده پدید آورد و روی خرابه‌های وجود نقش و نگار بدیع موجود نمود و چهره را بدون مثل و مانند تصویر و ایجاد فرمود.

او به مشیت و اراده خود به عدم خلعت وجود پوشانید بدون آنکه نیازی به موجود داشته باشد یا فایده و نتیجه‌ای در تصویر منظور دارد... گواهی می‌دهم که پدرم محمد بنده و رسول و منتخب پروردگار است. خداوند عالم او را برگزید پیش از آنکه رسالت دهد و او را نام نهاد قبل از آنکه بیافریند و او را انتخاب کرد پیش از آنکه مبعوث به رسالت گرداند. او را آفرید وقتی که همه مخلوقات در سرادق غیبی و در کتم عدم بودند و در ظلمات نیستی به سر می‌بردند. خداوند او را به کلیه مصالح عالی نظام زندگی بشر و به کلیه حوادث و سوانح و به همه وقایع و حقایق، آگاه و واقف فرمود، آنگاه برای اتمام امر خود برانگیخت و مامور انفاذ حکمت عالی خود فرمود، اراده قطعی الهی بود. در حالی که مردم در ادیان و عقاید مختلف بودند، گروهی آتش پرست و جمعی بت پرست و منکر خدا بودند. خداوند به نور وجود محمد(ص) تاریکی‌های جهالت را از دل‌ها زدود و شبها قلوب را به اشراقات و افاضات تعلیمات عالی او برطرف ساخت و نابینایی دل‌ها را به نور دانش منور گردانید. پدرم به امر حق برای راهنمایی و هدایت و ارشاد خلایق قیام نمود و گمراهان را از گرداب ضلالت و جهالت نجات داد و تیرگی دل‌ها را به نور ایمان روشن نمود و آنها را به دین اسلام دعوت کرد و به راه راست دلالت فرمود. آنگاه حضرت حق جل‌شأنه روح مقدس او را به رأفت و رحمت به قرب خود قبض و اختیار نمود و آخرت را برای او برگزید و پدرم محمد را از رنج و تعب دنیا آسوده ساخت. آنگاه فرشتگان ملاً اعلا به استقبال، اطراف او را گرفتند و رضا و خشنودی پروردگار را به او ابلاغ نمودند تا در مجاورت خالق جبار وصول قرب یافت.

درود و تحیت خدا بر پدرم محمد که فرستاده او و امین وحی او و برگزیده او و بهترین بندگان الهی بود. سلام و رحمت و لطف خدا بر او باد. آنگاه به سوی مردم التفاتی نمود و فرمود، شما بندگان خدا و محل و مورد اوامر و نواهی پروردگار هستید.

شما حاصل دین و وحی او می‌باشید. شما بر نفس و جان خود امین خدا هستید. شما هستید که باید به دین خدا عمل نموده و به دیگران ابلاغ نمایید و سرمشق دیگران باشید. خداوند در میان شما ضامن برحق قرار داد و عهد و پیمانی به وسیله پیغمبر خاتم بر شما فرستاد و بعد از او دو خلیفه و جانشین بر شما گماشت که آنها کتاب ناطق و کتاب صامت الهی هستند.

انوار شاد ربوبی و هدایت آنها مشعشع و پرتوافکن است و شما را به سوی حق رهبری می‌نماید و دیدگان شما را روشن می‌گرداند... پروردگار ایمان را باعث تطهیر و پاکیزگی از شرک دانسته و نماز را برای تنزیه دل‌ها از کبر و نخوت و زکات را برای تزکیه نفس و مال و افزونی روزی و روزه را برای ثبات و تحقق در اخلاص و حج را برای تشبیه و تحکیم مبانی دین و اعلا کلمه توحید و عدل را برای تالیف قلوب و اطاعت ما خاندان را برای حسن انتظام امور اجتماعی و امامت ما اهل بیت را برای ائمتی از اختلاف و تفرقه و جهاد را برای عزت و سربلندی ملت اسلام و صبر و شکیبایی را برای استحقاق اجر و امر به معروف را برای مصالح عامه مردم و نیکی به والدین را برای مصونیت از غضب خود قرار داده است.

خداوند صله رحم را برای پیوستگی و وحدت و قصاص را برای حفظ جان‌ها و وفای به نذر را برای رسیدن به مغفرت و آمرزش و تمام پیمودن کیل و وزن را برای اعتماد و حفظ اموال از نقص و زیان و نهی از شرب خمر را برای دوری از رجس و پلیدی و اجتناب از بهتان را برای مصونیت از لعنت و ترک دزدی را برای حصول امنیت اجتماعی و ترک شرک را برای خلوص عبودیت مقرر فرموده است. پس ای مردم از خدا بترسید و پرهیزکار واقعی باشید تا از دنیا نروید مگر آنکه در زمره مسلمانان قرار گیرید. ای مردم آنچه خداوند به شما امر کرده را اطاعت کنید و از آنچه نهی فرموده اجتناب نمایید.

آنهایی که علم و ایمان به خدا و روز قیامت و پاداش دارند، از حق تعالی ترسانند. ای مردم بدانید من فاطمه زهرا هستم و پدرم محمد(ص) پیغمبر خدا می‌باشد. آنچه اول گفتم آخر هم همان سخن را می‌گویم و آنچه می‌گویم حساب شده می‌گویم و اشتباه نمی‌گویم.

ای مردم آنچه می‌گویم براساس حق و عدالت است. خداوند برای شما پیغمبری از جنس خودتان فرستاد که سختی‌ها و نابسامانی‌های شما بر او دشوار و به هدایت و

ارشاد کوشا و بر مومنین رئوف و مهربان می‌باشد. اگر او را به بزرگی یاد کنید و نسبت او را متذکر گردید او پدر من بود نه پدر زنان دیگر و او برادر پسر عم من بود نه برادر مردان دیگر. چه بزرگوار است آنکه من نسبت به او دارم.

رحمت خدا بر او باد که فرمان خدا را به بندگان رسانید و رسالت خود را آشکار کرد. او با مشرکین مبارزه و معارضه نمود و آنها را به دین حنیف اسلام راهنمایی کرد و به سعادت نائل گردانید و با حکمت و موعظت و پند و اندرزگمراهان را به راه خوشبختی سوق داد و بت‌ها را درهم فرو کوفت و بت‌پرستان را به خاک مذلت افکند. تا بر شما پشت کرده و گریختند و نابود شدند و مانند صبح صادق تاریکی‌های شب جهالت ناپدید شد و چهره زیبای حق از پس پرده‌های جهل و تاریکی نمایان گردید و بر مسند ارشاد و هدایت تکیه زد و زبان فرمایگان و دشمنان دین را لال گردانید. او نفاق و دورویی را از بین شما برد و گره‌های کفر و عناد را از هم گسست و شما را با توحید و یکتاپرستی آشنا نمود. شما بودید که در پرتگاه آتش قرار داشتید و از کمی و قلت مانند شربت آبی بودید که تشنه‌ای بیاشامد و لقمه‌ای که گرسنه‌ای به آن دست یابد و یا پاره آتشی که با شتاب رو به خاموشی گراید. شما لگدکوب مردم قوی و دستخوش تمایلات ناخردان نیرومند بودید.

آب متعفن را می‌آشامیدید و برگ درختان را پوشش و غذای خود قرار داده بودید و در نهایت خواری و مذلت به زندگی ادامه می‌دادید و همیشه در بیم آن بودید که کدام دسته متخاصم شما را نابود نماید. خداوند تبارک و تعالی به وجود مقدس محمد(ص) شما را از این نابسامانی و مذلت نجات داد و آسودگی بخشید. بعد از آنکه در دست شیعیان عرب و گرگان بیابان جهالت، سرگردان و در نزد اهل کتاب زبون و خوار بودید.

هر زمان که آنها آتش جنگ می‌افروختند خداوند به دست پدرم آن را خاموش می‌فرمود و هرگاه ستاره وسوسه شیطان‌صفتان ظاهر می‌گردید و فتنه‌ای برپا می‌شد و آتش انقلاب روشن می‌گردید پدرم برادرش علی را برای خاموش کردن فتنه می‌فرستاد و او بر نمی‌گشت تا آتش جنگ را فرو نمی‌نشانند و سر دشمن را زیر پا نمی‌نهد. او بود که برای رضای خدا و اطاعت امر پیغمبر اهتمام تمام داشت و همیشه سایه‌صفت پشت‌سر پیغمبر خدا بود و در میان دوستان خدا از همه بالاتر و والاتر بود و در اطاعت و اجرای امر خدا کوشش فراوان می‌نمود تا شما در آسایش به سر برید و در مهد ایمنی متنعم باشید. اما شما برای ما خاندان انتظار بلاها و فتنه‌ها داشتید و منتظر اخبار وحشتناک بودید.

به هنگام سختی خود را کنار کشیدید و دوری نمودید و از معرکه گریختید. هنگامی که پروردگار متعال منزل و منزلت پیغمبران را برای پدرم اختیار فرمود و آرامگاه برگزیدگان را برای او انتخاب نمود در میان شما خار نفاق ظاهر شد و جامه دین کهنه گردید، گمراهان به سخن درآمدند و گمنام‌های پست، قدر و منزلت یافتند و مرکب جهالت را در میدان بطالت دوانیدند و شیطان از کمینگاه ظاهر شد و به وسواس خود شما را فریفت و شما او را اجابت کردید و چشم به دنیا و متاع آن دوختید و اسیر هوای نفس شدید و علیه خاندان پیغمبر به مبارزه برخاستید تا آنجا که بر شتر غیر، پا نهادید و در آخورگاه دیگران وارد شدید و مرکب خلافت را غصب نمودید.

ای مردم هنوز از درگذشت رسول خدا زمانی نگذشته و هنوز کفن او تازه است (این تعبیر برای وسعت جراحت از دست دادن رسول خدا(ص) است) هنوز زخم دل ما التیام نیافته است، هنوز جسد پیغمبر اکرم در خاک قرار نگرفته بهانه کردید که از فتنه می‌ترسیم و در آن فتنه که با دست خود ایجاد نمودید گرفتار شدید و جهنم بر کافران احاطه خواهد داشت. افسوس بر شما که به گمراهی کشانده شدید در حالی که کتاب خدا در میان شماست.

احکام فروزان قرآن نشانه‌های آشکاری دارد و در هر امری حکمی نازل شده است و دانستن‌های آن از اوامر و نواهی واضح و آشکار می‌باشد. شما آیات روشن الهی را پشت‌سر نهاده‌اید و آنها را نادیده گرفته‌اید. آیا به قرآن رغبت ندارید یا حاکمی غیر از قرآن می‌جوئید؟ بد پاداشی بر ستمکاران است که فرمان خدا را تغییر دهند و از دستورات قرآن سرپیچی نمایند.

هرکس دینی غیر از اسلام اختیار نماید خداوند از او نمی‌پذیرد و در آخرت در پیشگاه خدا و دیوان محاسبات، او زیانکار خواهد بود. ای مردم شما پس از رحلت پیغمبر اندکی درنگ نکردید و در کار خود نیندیشیدید و آتش فتنه و فساد برافروختید و صدای شیطان گمراه‌کننده را اجابت نمودید و انوار دین را خاموش گردانیدید و سنت‌های پیغمبر را محو نمودید و خوشحال هستید که در رفاه و آسایش به سر می‌برید و خاندان پیغمبر را در شدت و سختی گرفتار می‌نمایید.

ما هم مانند کسی که با کارد و نیزه بدن او را بشکافند بر فتنه‌های شما صبر می‌کنیم تا در پیشگاه عدالت پروردگار وارد شویم. شما گمان می‌کنید من از پدرم ارث نمی‌برم؟ این حکم را از دوران جاهلیت گرفته‌اید؟ چه کسی بهتر از خداوند حکم می‌نماید؟ اما برای کسانی که ایمان به خدا دارند آیا نمی‌دانید که روز پاداشی هست؟ ای مردم مانند آفتاب بر شما روشن است که من یگانه دختر پیغمبر خدا هستم و محمد پدر من است. آیا سزاوار است که جاه‌طلبان بر من ستم نمایند و ارث مرا بگیرند و شما ساکت بمانید؟ آنگاه خطاب به ابابکر نموده و فرمود: ای پسر ابی‌حفاه آیا در کتاب خدا نوشته شده که تو از پدرت ارث ببری و من از پدرم ارث نبرم؟

عجب افتزای بزرگی بر خدا بسته‌ای. آیا از روی عمد کتاب خدا را پشت سر نهاده‌ای و عمل به آن را ترک نموده‌ای؟ خداوند در قرآن می‌فرماید: سلیمان از داوود ارث برد و آنجا که حکایت یحیی فرزند زکریا را بیان می‌فرماید: که زکریا از خداوند درخواست نمود پروردگارا فرزندی به من عنایت فرما که از من و آل یعقوب ارث ببرد و آنجا که می‌فرماید: خویشان رحیمی بعضی بر بعضی مقدم می‌باشند و همچنین می‌فرماید: خداوند شما را درباره اولادتان وصیت می‌کند که نصیب یک مرد دو برابر بهره یک زن می‌باشد و پسر دو برابر دختر ارث می‌برد و همچنین خداوند می‌فرماید که هنگام مرگ اگر مال و ثروتی از خود می‌گذارید وصیت کنید برای پدر و مادر و خویشان وصیت نیکویی و این حکم بر حق و ثابت است بر آنهایی که پرهیزکار هستند.

آیا شما می‌گویید من از پدرم بهره و نصیبی ندارم و از پدر خود ارث نمی‌برم؟ آیا خداوند برای شما آیه‌ای فرستاده که مرا از فرزندی پدرم خارج کرده؟ یا می‌گویید اهل دو ملت از یکدیگر ارث نمی‌برند؟ آیا من و پدرم از اهل یک ملت و آیین نیستیم؟ آیا شما از پدرم و پسر عم علی به قرآن داناتر هستید؟ من اکنون شما را به حال خود گذاشته و داوری را در روز حشر به خدا واگذار می‌نمایم و خداوند حاکم برحقی است و بدانید محمد(ص) دادخواه من است. وعده ما در قیامت در پیشگاه عدل الهی خواهد بود؛ روزی که خطاکاران در زیان هستند و ندامت در آن روز سودی ندهد و به زودی می‌فهمید که عذاب خوارکننده چه کسی را فرا خواهد گرفت و عذاب جاودانی بر چه کسی می‌باشد.

سپس انصار را مخاطب قرار داده و فرمود: ای یاوران اسلام و حافظین حدود و احکام قرآن این چه سستی است در حق من روا می‌دارید. این سهل‌انگاری شما در ظلم و ستمی که بر من رفته برای چیست؟ آیا پدرم محمد رسول خدا نفرمود: هر کس را در فرزندش باید احترام نمود و احترام به فرزند احترام به پدر است. اما شما آنچه پدرم درباره من سفارش کرده بود چه زود فراموش نمودید. شما قدرت دارید و می‌توانید از من حمایت کنید و آنچه از شما می‌خواهم بر آن توانا هستید. آیا شما هم می‌گویید محمد(ص) مرده است؟ آری رحلت پیغمبر خدا مصیبت بزرگی است که اثر آن در زمین و آسمان ظاهر و آشکار می‌باشد.

برای رحلت پیغمبر(ص) زمین تاریک گردید و ستاره‌های آسمان از این مصیبت تیره گشت، امیدها تبدیل به یاس و ناامیدی شد و کوه‌های عالم خاشع گردید و شما حق پیغمبر خدا را ضایع نمودید و احترامی به خاندان او نگذاشتید. به خدا قسم این فاجعه بزرگی است که نازل شده و هرگز چنین مصیبتی به یاد نیاید و خداوند خود از آن خبر داده است که شما آن را هر صبح و شام به جهر و اخفا می‌خوانید. این سنت ربوبی برای همه پیغمبران بوده است و این حکم حتمی و قطعی است و قضای غیر قابل انکار...

من شما را به یاری می‌طلبم و شما مرا اجابت نمی‌کنید و از شما استمداد می‌خواهم و شما به فریاد من نمی‌رسید، در حالی که شما به شجاعت و دلاوری موصوف و به نیکویی و صلاح معروف بودید. شما برگزیدگان مسلمانان بودید و به خوبی‌ها شهرت داشتید.

شما را برای مقاتله با کافران انتخاب می‌نمودند و شما گردنکشان را از پای درمی‌آوردید و هرگز از ما خاندان دوری نمی‌کردید و آنچه به شما فرمان می‌دادیم اطاعت می‌نمودید تا چرخ‌های پربرکت اجتماع مسلمین به حرکت درآمد و نخوت و شرک و ذلت و نفاق از میان رفت و آتش کفر و شرک خاموش شد و دعوت بت پرستی و هرج و مرج ناپود گشت و نظام دین محکم و استوار گردید. اکنون چه شده که در يك امر آشکار حیران مانده‌اید و حقیقت را پنهان نموده‌اید و پس از اقبال چرا از حق روگردانیده‌اید و پس از ایمان چرا مشرک شده‌اید؟

آیا جنگ و پیکار نمی‌کنید با کسانی که عهد خود را شکستند و سعی و اهتمام به بیرون کردن رسول خدا نمودند؟ و حال آنکه آنها در شکستن عهد پیش قدم شدند آیا از ایشان می‌ترسید؟ اگر مومن باشید سزاوار است که از خدا بترسید. اکنون می‌بینم که شما به پستی گراییده‌اید و از نعم الهی محروم شده‌اید و از آن کس که احق و شایسته‌تر از شما می‌باشد دوری نموده‌اید و با راحتی و تن آسایي خلوت کرده‌اید و از سختی سعادت‌انگیز به رفاهیت شقاوت‌آمیز گردیده‌اید. اگر شما و همه اهل عالم کافر شوید خداوند غنی و بی‌نیاز است.

ای مردم آنچه گفتم می‌دانم که در شما اثری نخواهد داشت زیرا کناره گرفتن شما از ما با گوشت و پوست شما آمیخته شده و احساس می‌کنم که مکر و فریب و وسوسه شیطان دل‌های شما را فراگرفته است. این آهی است از سینه دردمند من که آن را از دل بیرون افکندم و وظیفه خود را انجام دادم و حجت را بر شما تمام نمودم. اکنون این شتر خلافت را بگیرید و به ناحق غضب نمایید. اما بدانید که پای آن مجروح و پشت وی زخم و عیار ننگ آن همیشه بر شما باقی است. این عمل غضب شما به غضب خدا پیوسته و این روش ناپسند شما به آتش روز جزا متصل است.

خداوند می‌داند آنچه را که شما مرتکب می‌شوید و به زودی ستمکاران آگاه شوند که به کدام مکان بازگشت می‌نمایند. ای مردم من دختر آن کسی هستم که شما را از عذاب قیامت بیمناک ساخت و می‌بینم عذابی سخت شما را احاطه نموده است. آنچه را که می‌خواهید عمل کنید و ما بر آنچه حق است عمل می‌نماییم. شما منتظر نتیجه عمل خود باشید و ما منتظر روز تشخیص حق از باطل و سعید از شقی خواهیم بود.

همشهری انلاین